

کتاب کودک،

نقش و جایگاه آن در جهان سوم

موجود در سرزمینشان اهم از نیروی انسانی و منابع طبیعی - به دور داشته، همانا زحمتهای استعمار کهن است که با دستکاری مسئولان داخلی چنان آساز و جراحات فرهنگی برجای گذارده‌اند که اشپام بخشیدن به آنها طرخی دیگر می‌طلبد. قرن‌ها نمیکند نیروهای انسانی و منابع طبیعی، مسائل حاد و حیاتی در حسیهٔ زمینه‌ها ایجاد کرده است. ^۱ تقلید کورکورانه - بدون توجه به ویژگیها، نیازها و موقعیتهای بومی و منطقه‌ای - از کشورهای صنعتی، تعادل جمعیتی را در هم ریخته و علاوه بر تخلیه روستاها و توقف تولید، آلودگی محیط زیست، از دست رفتن منابع طبیعی و مالی، افزایش فساد، اعتیاد و اشاعه فرهنگ مصرف زدگی را ارمغان آورده است. نفوذ تکنولوژی پیشرفته وارداتی، بدون توجه به ضایعات عمیق و جانی آن، زخم عمیق دیگر فرهنگی را بر این کشورها تحمیل کرده که همانا عقب رانده شدن سنتها، فولکلور، ادبیات، هنر بومی و فرمی و مذهبی است؛ بطوری که در پاره‌ای قاطب با قدرت و ضعف کمتر یا بیشتر، به حیات محدود خود ادامه می‌دهد. آفتابهای از این دست در جوامع ستمدیدهٔ جهان سوم بیانگر این حقیقتند که در آنها از نظامهای آموزشی، سیاسی، اقتصادی مطلوبی که محیط را برای برانگیختن خلاقیت و شکوفایی مردم - به ویژه نسل جوان - مناسب سازند، چندان خبری نیست.

در چنین جوامعی، بدیهی می‌نماید که کتاب، به ویژه کتاب کودکان و نوجوانان اهمیت وجودی خود را به عنوان ابزاری مؤثر در یادگیری و تغییر رفتار مطلوب و نیل به آرمانهای بزرگ انسانی از دست بدهد. ندانستن مهارت در مطالعهٔ مستمر و ناآشنایی با لذت خاص حاصل از آن، عدم احساس نیاز به کتاب، کسب عدم انطباق بیشتر کتابها را احتیاجات خوانندگان جوان و طبقاتی بیشتر آنها از دنیای نسل در حال رشد اجازه نمی‌دهد تا استفاده از کتاب، آنطور که باید و شاید گسترش یابد و مطالعه، سازندگی خود را در جهان بینی، تفکر و شناخت ارزشها آشکار سازد. و همچنین شعار کتاب برای آموختن برای زیستن مصداق پیداکند.

مسئولیت برای افراد جامعه تدارک دیده‌اند؛ حال، خواه در قلمرو کشورهایی باشد که جهان سومش می‌خوانند و خواه در کشورهای صنعتی و به اصطلاح ابرقدرتها.

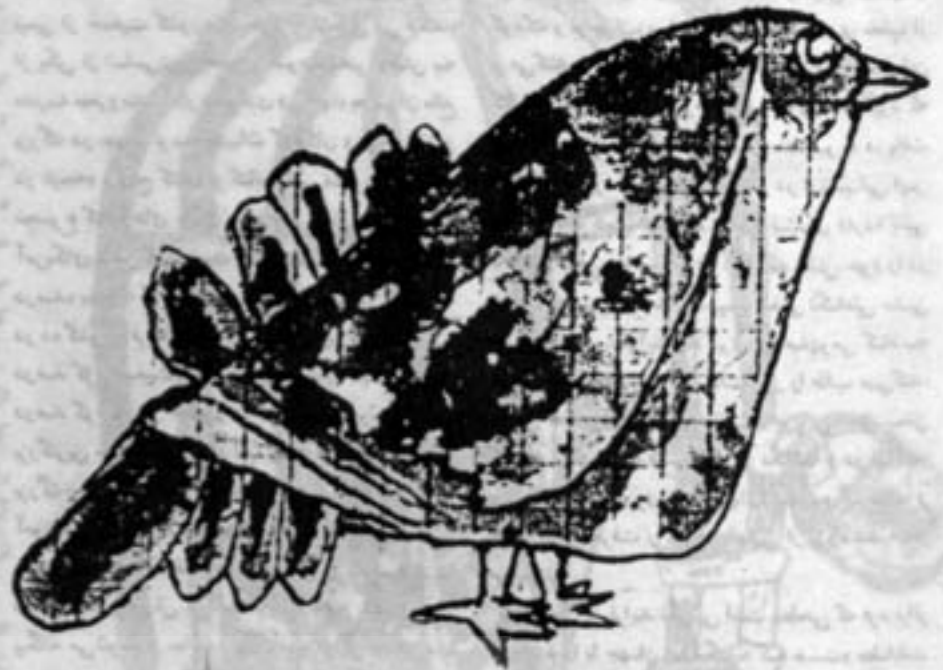
پس آنچه که کودک جهان سوم را، همانند هر کودک محروم دیگری در جهان از رشد و باروری ذهنی و عاطفی، تولید فکر خلاق و نیل به مقام بالای انسانی یعنی هدف آفرینش الهی - به دور نگاه می‌دارد، همانا شرایط محیطی اوست. شرایطی که ابزار آموزش و پرورش، یعنی یادگیری را - که حاصل و نیاز بشری است - به فراخور فراهم نمی‌آورد.

کودک جهان سوم، در خطه‌ای چشم به جهان می‌گشاید و زندگی می‌کند که حاکمیت سواد - به ویژه سواد شعوری - در آن و هر آن، پیش از پیش رنگ می‌بازد. تلقین باورهای نادرست، مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت، فقر، جنگ، توقف تولید، بی‌رسم شدن روستاها و تبدیل آنها به مراکز صنعتی، به سبب خود باختگی در برابر صنعت و تکنولوژی وارداتی هدفمند، آنچنان او و اطرافیانش را هویت گم کرده و ناتوان از شناخت خود و قابلیت‌های موجود در سرزمینش ساخته که چشم بر واقعیتها بسته است و می‌پذیرد که در قعر فرهنگی گسترده به سر می‌برد.

در تعریف، جهان سوم به پهنهٔ جغرافیایی گسترده‌ای اطلاق شده که شامل کشورهای عقب مانده یا رو به رشد در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین می‌باشد؛ در واقع نواحی و کشورهایی که ویژگی اصلی آنها، عقب ماندگی به معنی فقر مادی و فقر معنوی گسترده است.

می‌پذیریم که فقر مادی سرچشمهٔ کم غذایی و بی‌غذایی، ندانستن بهداشت، مسکن و آموزش و پرورش مناسب است و در نتیجه، سبب ساز رکود ذهنی، سخت اندیشی و گناه توسل به خرافات و ارزشهای فله‌پای می‌شود. ولی نمی‌پذیریم که این کشورها به دور از پیشه و رشد فرهنگی بوده‌اند؛ چرا که در آنها فرهنگ، آداب و رسوم، سنتها، ادبیات و هنر منشاء دیرین داشته‌اند و آنچه که آنها را امروز - ازبازایی هویت و شناخت امکانات و قابلیت‌های

ما برنامه‌ریزی شده هستیم برای یادگیری ^۲.
هر کودک، در هر نقطه‌ای از جهان، در شرایط طبیعی، با گنجینه‌ای از قابلیت‌ها که در او برنامه‌ریزی و به او موهبت می‌شود، هست می‌گردد. نشو و نما، جلوه‌گری و تمرینش این قابلیت‌ها در گرو تقابل مداوم سرشت و داده‌های محیطی است که در مراحل مختلف رشد و ویژگی و تفاوت‌های فردی را بروز می‌دهد. ساخت و ترکیب جسمی، ذهنی، روانی و اخلاقی یک فرد با تأثیر متقابل دایمی بین سرشت و پرورش رابطه دارد. هر فرد برای برتری صاحب امکاناتی خاص است. این قلمرو برتری می‌تواند در زمینه‌های متفاوت، مثلاً در جهت کشف یک پدیدهٔ علمی، خلق یک اثر ادبی، مهارتی در ورزش و یا فن و حرفه‌ای باشد. مهم این است که این قلمرو فردی کشف شود؛ که البته دشوارترین کار است. تجربه نشان داده است که محیط و اثرات آن بر ویژگیهای وراثتی غالب است. یعنی، طفل و افعال بازدارنده و با منفی بروز استعدادها و قابلیت‌ها را متوقف و یا به تأخیر می‌اندازد و حتی منحرف می‌کند و کجرویهایی را سبب می‌شود که انواع بزهدارها و جنایات از عوالم آن است. در مقابل، داده‌های مثبت و شرایط مناسب در پاسخگویی به حس کنجکاوی و انجام فرآیند یادگیری، بروز قابلیت و خلاقیت‌های فردی را، در جهت تعالی و تکامل انسان شکل می‌بخشد که دستاوردهای بسیاری از خادمان بشریت از نتایج آن به شمار می‌آید. این تأثیر، به هر صورت که انجام پذیرد متوجه تمامی کودکان جهان است، و ویژهٔ فرد یا افرادی خاص و با نقطه‌ای خاص نمی‌باشد. در واقع، قابلیت‌های موهبت شده، صندوقچه‌های جادویی را می‌مانند که شناخت، عملکرد، بهره‌دهی، بهره‌گیری و شگفتی آفرینی آن، کلید رمزی دارد در دست شرایط محیطی؛ یعنی بن ماه‌های فرهنگی، سنتها و باورهای فرمی و اعتقادی، تغذیه، بهداشت جسمانی و روانی، و در نهایت، امکانات و شرایط آموزش و پرورش مستقیم و غیر مستقیم، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی که مسئولین، سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان، آن را بر حسب شناخت، دانش، ایمان و عشق به تعالی انسانیت، ایثار و احساس



سیاسی را باید با تحقیق لازم و استفاده از آخرین یافته‌ها ارائه داد. این آثار چنانچه با استفاده از طرح داستانی شکل می‌گیرند، لطیفه‌ای بر صحت و دقت مطالبشان وارد نمی‌آید. تصویر، همانند کتابهای درسی باید مستند باشد و به ایجاد مفهوم صحیح و دقیق از موضوع مورد بحث در ذهن خواننده و نیز به بیان بهترین مطالب در موقعیتهایی که متن به تنهایی از عهده آن بر نمی‌آید، کمک کند. موضوعهای دینی، دانش اجتماعی، زندگی‌نامه، علمی و کتابهایی در باره هنر، بازی و سرگرمی از جمله آثاری هستند که در این حوزه قرار دارند. برخی انواع خواندنیها می‌توانند در قالب نظم، و نه شعر ارائه شوند.

افسانه، نیروی تخیل و تصور و قدرت ذهنی کودک و نوجوان را پرورش می‌دهد و به او در تکوین بخشیدن هویت فرهنگی و آشنایی با میراث گذشتگان و تثبیت ارزشهای والای انسانی کمک می‌کند.

کتابهای کودکان و نوجوانان باید آثاری باشند که با توجه به نیازمندیهای اساسی، علاوه، تجربه، توانایی خواندن و درک و فهم مخاطبین خود، با روشی هنرمندانه تألیف، ترجمه و با گردآوری شوند تا شناخت نسل جوان را نسبت به خود، دیگران و جهان گسترش دهند و به رشد همه جانبه استعدادها و تواناییهای آنها مدد رسانند و انگیزه فعالیتهای فکری، اجتماعی و هنری را تقویت کنند. مجموعه این آثار در جهان گروه متفاوت شامل کتابهای درسی، خواندنیها، ادبیات کودکان و نوجوانان و کتابهای تصویری قرار می‌گیرند.

ادبیات کودکان و نوجوانان
نوشته‌ها و آثاری هستند که آموزش غیرمستقیم می‌دهند و جوایبگوی نیازهای روحی، عاطفی و اجتماعی کودکان و نوجوانان هستند از این لحاظ، از اهمیت خاصی برخوردارند و در مقوله هنر جا می‌گیرند. تابع فید و شرط آموزش رسمی هم نیستند. این آثار شامل درونی و ذهنیت خلاق آفریننده آن هستند و در قالبهای شعر و داستان تجلی می‌یابند.

شعر: با عوزونی و خیال‌انگیزی کلام، بیان احساس و عاطفه می‌کند و در بال و پر بخشیدن به عواطف و تحلیلات کودک و نوجوان و پرورش ذوق و استعداد او سهیم می‌شود.

داستان: افسانه و واقعی - همانند شعر برآمده از خلاقیت ذهنی نویسنده است که در قالب، ماجرا و شخصیت پردازی شکل می‌گیرد. افسانه، نیروی تخیل و تصور و قدرت ذهنی کودک و نوجوان را پرورش می‌دهد و به او در تکوین بخشیدن هویت فرهنگی و آشنایی با میراث گذشتگان و تثبیت ارزشهای والای انسانی کمک می‌کند. داستان واقعی با حوادث باور پذیر، قابل تکرار و شخصیتهای واقعی، کودک و نوجوان را با ابعاد مختلف شخصیت انسان و خصوصیات خوب و بد و به طور کلی با صور مختلف زندگی آشنا می‌سازد. همچنین به طور غیر مستقیم، روابط متقابل میان فرد و جامعه و حوادث و ماجراهای

درسی، کتابهای کمک آموزشی موجودیت می‌یابند تا فرآیند یادگیری را سهولت بیشتری بخشند. خواندنیها، کودک و نوجوان را مستقیم با زمینه‌های مختلف دانش و مهارتهای بشری آشنا می‌کند. این آثار نیز هدفمند هستند و مطالب آنها در خدمت هدف به کار گرفته می‌شوند. از ویژگیهای آنهاست که از ذهن‌گرایی و استنتاجهای شخصی به دور باشند از مطلق‌گرایی بیزیند و راه را برای تفکر و جستجو باز بگذارند. جنبه القایی نداشته باشند به کودک و نوجوان راه و روش تجزیه و تحلیل و چون و چرایی را بیاموزند. دید انتقادی را در او تقویت کنند. مفاهیم دینی، اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و

کتابهای درسی برای تعلیمات آشکار در آموزش و پرورش مستقیم مقطعی می‌شوند و در چهار چوب برنامه‌های مدرن هر کشور تألیف می‌شوند تا در موضوعات متفاوت و با کاربرد زنجیره‌ای، همراه با فعالیتهای یادگیری در حور، مهارتهای لازم از جمله شناخت، تغییر رفتار و بروز استعدادها را در جهت آماده سازی و تبدیل نیروهای بالقوه به بالفعل و منظور تدابیر و تکامل انسانی سبب شوند. در عین حال، کودک و نوجوان را برای استفاده و دسترسی به منابع و مآخذ غنی بشری آماده سازند. راه مطالعه و پرایی و جستجوگری را در جهت پاسخگویی به کنجکاوی آنان هموار سازند. از ویژگیهای این آثار، تناسب آنها با نیاز مخاطبین و روزآمد و مستند بودن آنهاست. این آثار همراه با معلم و نوآم با فعالیتهای جانبی پیوسته و مطلوب معنا می‌یابند. در حاشیه تدوین کتابهای

کوچک و بزرگی که زندگی را شکل می‌دهند، به او می‌نمایاند. بازنویسی و بازآفرینی از آثار کهن به نظم و یا اثر نیز در این حوزه جای می‌گیرند.

کتابهای تصویری:

آثاری هستند که در آنها تصویر جزو جدایی ناپذیر متن است و ترکیب متن و تصویر یک مفهوم واحد را می‌رساند. مخاطبان این آثار، بیشتر کودکان خردسال هستند که قدرت خواندن و درک و فهم نوشته را ندارند. این آثار می‌توانند هدفمند باشند و به القای بیانی خاص بپردازند. در این صورت، برخی بر حسب ویژگی در حوزه کتابهای درسی و خواندنیها جای می‌گیرند و نیز می‌توانند صرفاً بار ادبی و خلاقه داشته باشند در این صورت، در حوزه ادبیات می‌نشینند. در هر حال، ابتکار عمل، نیروی خلاقه و توجه به ویژگیهای ملی، جغرافیایی و سنتهای فومی و فرهنگی از ضرورتهای شکل گیری آنهاست.

در شرایط مطلوب، که کودک در پناه خانواده‌ای آگاه و آموزش پیش دبستانی در حور رشد می‌کند، به ترتیب و در کنار دیگر عوامل یادگیر به شیوه‌ای مؤثر از لالاییها، مثلها، شعرهای کودکان، قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه و کتابهای تصویری لذت می‌برد. سرخوش می‌شود و مایه می‌اندوزد و در نتیجه یادگیری و انگیزه‌های لازم و رغبت مطالعه، مشاهده، تحلیل، جستجوگری در او تقویت می‌گردد و به فراخور مراحل رشد از آثار موجود در حوزه‌های یاد شده همچون چشمه‌های زلال سود می‌برد و هوشیاری و آمادگی لازم را برای تداوم بخشیدن و ساختن آینده‌های روشن پیدا می‌کند. ولی در شرایطی که بیشتر کودکان و نوجوانان امروزه در کشورهای جهان سوم گرفتار آند، چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد، چرا که اولاً از پیش از پنج میلیارد جمعیت کره زمین، نزدیک به چهار میلیارد در این کشورها سکنی دارند که از میان آنها حدود پنجاه درصد از سواد شعاری صرف به معنی خواندن و نوشتن محرومند. این مشکل در کنار فقر مادی، بحرانی عمیق و ریشه دار را در این کشورها داده و آنها را برای همه گونه استعمار و استثمار آماده ساخته است.

کتاب، زمانی نقش واقعی خود را ایفا می‌کند که شکم کودک سیر باشد و تعهد اخلاقی دوتستردان نسبت به تأمین غذای، پوشاک و مسکن برای او و اطرفیانش به انجام رسیده، در امنیت لازم رشد کرده باشد. در عین حال باید اجازه گفتن داشته باشد تا گوش دل به شنیدن بسیار. همچنین محیط و دلستگی به آن در او ریشه دوایند باشد. بیشتر کودکان مادر بی‌غذایی و کم‌غذایی به سر می‌برند و از بهداشت لازم - چه جسمانی و چه روانی - بی‌بهره‌اند. برای آنها به سبب محرومیت از نیازهای اولیه، نوازی لالایی، مهر خانواده

و لذت بازی، جستجوگری و تفکر معنای خود را از دست داده است. شمار بسیاری از این کودکان که نیمی از جمعیت کشورهای خود را تشکیل می‌دهند، از یکی از اساسی‌ترین حقوق خود، یعنی رفتن به مدرسه محرومند. آمار یسواد در آنها، به عنوان مانع بزرگ در جهت توسعه ادبیات کودکان و نوجوانان و در نتیجه، ترویج کتاب و کتابخوانی مطرح است. از مجموع کشورهای جهان سوم فقط آمار یسواد در آمریکای لاتین کمتر است و بین هشت تا سی و هشت درصد، بسته به کشورهای، در نوسان است. در حالی که در ده کشور آفریقایی آمار یسواد بین هشتاد تا نود درصد کل جمعیت است و در تعدادی دیگر، چهل درصد کودکان از حضور در مدرسه محرومند. آسیا بزرگترین جمعیت بی‌سواد دنیا را دارد. این جمعیت بزرگ، به سبب فقر و عدم دسترسی به امکانات آموزشی، کودکی را تجربه نکرده، به جمع بزرگسالان می‌پیوندند و وظیفه تأمین معاش را - مشروع یا نامشروع - بر دوش می‌گیرند. بازارگاه و شهر و دیار بیگانه می‌شوند و جاذبه‌های کاذب مراکز صنعتی، با دیدن امیدی واهی در آنها، تشویق به مهاجرتشان می‌کند. سرگردان و بی‌دین روزگار می‌گذرانند و آنها و شایعات بسیاری به وجود می‌آورند. در نتیجه این جماعت و کتاب دو پدیده بیگانه از هم باقی می‌مانند.

و این تمامی فضاها نیست؛ چرا که آن دسته از کودکان و نوجوانان نیز که به مدرسه سیرده می‌شوند، مسیر آموزش مستقیم را سازنده و امیدوار کننده پشت سر نمی‌گذارند. در این کشورها، به سببهای ذکر شده، سیستم آموزشی متمرکز حاکم است؛ یعنی یک کتاب برای همه. بنابراین، کودکان که در بند گویش و زبانهای فومی هستند، برای ایجاد ارتباط با کتاب، ابتدا باید به زبان آن مسلط شوند. این امر - حتی - در مورد کشورهای عرب زبان نیز، صادق است؛ چرا که زبان کتابی آنها، با گویش محلی و منطقه‌ای متفاوت است. تأملانه، پشت سر گذاردن این دشواریها نیز، آشنی چندانی را بین کودک و کتاب فراهم نمی‌آورد، و او از سرخوشی و لذتی که خواندن و در پی آن یادگیری در بر دارد، نا آگاه می‌ماند. با حاکمیت سیستم متمرکز آموزشی، کتاب درسی شایع می‌شود از واهمنهای حاکم بر سیستم. این کتابها بار تقلیدی سنگینی را بر دوش دارند و معمولاً با تجربه زیستی کودک و نوجوان بیگانه‌اند. وظیفه معلم اثباتن فکر دانش آموزان از محتویات این آثاره محتویاتی که از واقعیت جدا شده و با با کلتی که آنها را به وجود آورده‌اند و می‌توانند به آنها معنایی ببخشند، قطع رابطه کرده‌اند. سرشت این کتابها مطمئن بودن کلمات است، و نه قدرت دگرگون کنندگی آنها. در نتیجه،

آموزش نوعی اسانت سپاری می‌شود که در آن، شاگردان امتداندانند و معلم امتدگذار. این اسانتها را کودک و نوجوان، بی‌ایجاد از تراضی از سوی معلم، از بر می‌کنند و پس می‌دهد. به گننه، فریره، به مدد این کتابها، آموزشی به مفهوم بانکی صورت می‌گیرد که در آن، میدان عمل دانش آموزان، منحصر به دریافت اسانتها و ذخیره کردن آنهاست. در ارزشیابی این شیوه، برنده کسی است که ذخیره بیشتری دارد؛ یعنی مالک آگاهی، نه موجودی آگاه که دانش خود را در خدمت عمیق پدیده‌ها و سپس تغییر تکاملی منسی خود گیرد. پس، فرآیند یادگیری، با مفهومی کاذب، تلاشی منحرف کننده و کسالت آور را طلب می‌کند. تلاشی که در آن، آزادی اندیشه، پویایی، حق سخن گفتن و پرسیدن، به معنی جدل و مکاشفه و در نهایت، بروز تفاوتهای فردی و قابلیتهای نادیده گرفته‌ند و یادگیری و معرفت را که جریانهایی از پژوهشند منکر می‌شود.

نتیجه این فرایند نگرشی است سطحی که فرد بر اثر آن خود را با جهان بدانگونه که هست، مطابقت می‌دهد؛ یعنی همان چیزی که استعمار مصلحت می‌داند؛ یعنی دگرگون کردن و جدان و نه تغییر موفیقیتی که تحمل آن وجدان رامعذب نگاه می‌دارد. نگرشی که با کتاب و کتابخوانی به معنی وسیع آن انس و الفتی پیدا نکرده و به اهمیت آن پی نبرده است. در جریان آموزش بانکی، کتاب و کتابخانه، اگر هم وجود داشته باشد، کاربرد بی ندارد و فقط ارزش نمایشی و ظاهری آن مطرح است. به همین دلیل است که توجه به کودک و ادبیات کودکان، در کشورهای جهان سوم پدیده‌ای نوبه شمار می‌آید و هنوز برای تکامل یافتن، راهی دراز در پیش دارد.

آموزش بانکی که از ضروریات آن فکر نکردن و مطیع و منقاد بودن است آزادی کودک را برای ابراز عقیده و سخن گفتن که حق مسلم اوست - سلب می‌کند و در نتیجه کودک نسبی آموزد که چگونه کلاف سردرگم تجارب خود را به رشته سخن بکشد و با آنها مقابله کند. کودک به تجربه وسیعی در زبان گفتاری نیازمند است و توانایی رو برو شدن او با کاربرد ادبی زبان و پیوستن به سلکت هنرمندان خلاق، بستگی به این تجربه ابتدایی دارد. از اینروست که داستانسرایی و بلند خوانی در خردسالی، رابطه زبان گفتاری را با ادبیات استوار می‌سازد و کودک را برای درک رابطه زبان و قالب آن، هنگامی که خود به مطالعه می‌پردازد، آماده می‌سازد. شرایط آموزشی و پرورشی در کشورهای ما، بارقه خلاقیت و آفرینندگی را در نهاد کودک و نوجوان به خاموشی می‌کشاند. از همین روست که در این کشورها، الگو برداری، تقلید و مونتاژ امری طبیعی می‌نماید؛ بطوری که ادبیات



دیگر کشورهای جهان سوم میردازد. کودتک باید بحسب به وجود خود و امکانات خویش و منطقه آگاهی پیدا کند تا به فرهنگ جهانی نزدیک شود و ابناء بشر را بشناسد و عشق به انسانیت، زندگی و تحول در او تقویت شود. نقش کار ساز رسانه‌های گروهی را در ایجاد این انگیزش در خانواده‌ها نمی‌توان از نظر دور داشت. همچنین برگزاری نمایشگاهها و جلسات معرفی آثار زنده در مدارس، کلاسهای سواد آموزی و مراکز عمومی، احداث و تقویت کتابخانه‌ها و تربیت کتابداران که از نیازهای عمده کشورهای ماست.

می‌تردید، همه بر این باوریم که: «دنیای کودکان از بسیاری آلاشها و آلودگیها به کسار است. همه کودکان، همه جا پاک و بی‌کینه‌اند. با پرواز پروانه‌ای رنگین مال، از خود بی‌خود می‌شوند. دوست دارند آنچه دارند با دوستان قسمت کنند. فخرشان خالی از کینه است و آشتی‌شان مالا مال از صفا»^{۱۱}.

این دنیا را بشناسیم و برای گسترش، باروری تعالی و برداشتن مرزهای آن از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم.

یادداشتها

- ۱- ژاکوب، فرانسوا، زیست‌شناسی معاصر فرانسوی، پیام، اسفند ۱۳۶۹، صفحه ۴
- ۲- سیمای جهان سوم، ترجمه رضابازرگانی، تهران: کتابسرا، ۱۳۶۸
- The World Book encyclopediia U-7. ... 1962
- ۳- میرهادی، توران، گزارش شورای کتاب کودک، آذر و اسفند ۶۳
- ۴- میرهادی، توران، زمینه‌های خالی در ادبیات کودکان و نوجوانان (۳۹ مقاله)، تهران: شوره، ۱۳۶۳
- ۵- برگرفته از معیارهای ارزشیابی کتاب در شورای کتاب کودک، گزارش آذر و اسفند ۶۳
- ۶- بی‌گرت ج جیمز، وضعیت کودکان جهان، پونیف، ۱۹۹۳
7. Children's Book Production and Distribution in Developingeola. Countries. Nioeia, Cyprus.
- ۸- فریرت، پاتولو، آموزش ششم‌پدگان، ترجمه احمد بیرشک و سیف‌الله داد، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹، صفحه ۵۸
- ۹- ۳۹ مقاله در ادبیات کودکان، تنظیم آتش جعفرزاد، تهران: دفتر نشر آتیه، ۱۳۶۳، صفحه ۲۶
- ۱۰- بررسی ادبیات کودکان در کشورهای در حال توسعه، ترجمه علی شکیبی، تهران: ناظم، ۱۳۶۳، صفحه ۵
- ۱۱
- ۱۲

ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین نقش مادر و پیش او است به تولید اسر فرهنگی، علاوه بر سیاست‌گزارهای اقتصادی. اهمیت ویژه دارد. برای کتاب و تیراز آن در کشورهای مانوعی بر توجیهی راست به نسل جوان تداعی گراست. در کشور اسلامی ایران که در آن رشد ادبیات نشت به بسیاری کشورهای دیگر جهان سوم چشمگیر است. برای یک میلیون مخاطب، بکن دروازه خاص، تیراز یکصد هزار داشته‌اند و حد متوسط دوازده هزار سوزای همان یک میلیون مخاطب، بوده است. «ملا گروه نسی الف»

از عوامل مؤثر در رشد کیفی و کمی ادبیات کودکان، نقد آگاهانه است تا اگر نه بیشتر از زمان، منطبق با آن نیز سره از ناسره را مسیر راههای تعالی و کمال را به هنرمند بنمایاند. آثاری در این حوزه در کشورمان ما بسیار اندک و کاملاً نوباست. در اینجا، درک دوشگردان و برنامه‌ریزان ادبیات کودکان و توجه به آن ضرورت پیدا می‌کند تا به جایگاه آن در تحصیلات آکادمیک بهایی در محور داده شود. از نتایجی که کم و بیش در کشورهای ما صورت می‌پذیرد، ایجاد توازن است بین تألیف و ترجمه. این تلاش لازم است، ولی کافی نیست. ترجمه نیز باید مشمول شود و بیشتر به شاعت کودکان و نوجوانان از

کودکان نیز از این جریان بی‌بهره نمی‌ماند و رشد خود را - به هر شکلی که هست - مدیون رشد ترجمه آثار از کشورهای اروپایی و آمریکایی است و نه رشد ادبیات سرزمین خود. لازمه رشد، آزادی است و تجربه آزادی با مسئولیت توأم است و آن ارزشی است که الگو نمی‌پذیرد. برای تولید اندیشه و باروری ذهنی و مکاشفه نیاز به آزادی است. آزادی بیان در قبال مسئولیت توأم با امنیت شغلی و اقتصادی. تنها در این صورت است که قابلیت‌های انسانی در این کشورها بروز می‌کند و راه را برای شاعت کودک از فرهنگ کشور خود هموار می‌سازد به گفته سوریمانو، فقط در صورتی می‌توان کودک و نوجوان را علاقه‌مند به شاعت جهانی و فرهنگ آن بار آورد که آنان را ابتدا با فرهنگ کشور خودشان آشنا ساخت»^{۱۱}

احمال چنین نیاستی سب ساز شکوفایی و رشد هنرمندان می‌شود تا فارغ از باید و نبایدها دستاوردها و آثاری ارزشمند را در قالب ادبیات ناب باز آفرینی و باز نویسی از متون کهن و خواندنیهای پیشگام نسل جوان کنند و این خود آغاز راه است. کتاب، هم بک پیام و محصول هنری و ثروت فرهنگی است. و هم محصول شناخته‌شده‌ای است که نیاز به سواد اولیه دارد.^{۱۱} بنابراین، با مسأله هزینه و سرمایه گذاری مالی